

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۲۹ می ۲۰۱۹

## قدرت‌گیری احزاب محافظه‌کار و نژادپرست در پارلمان اروپا، چه تاثیری بر کشمکش‌های خاورمیانه خواهد گذاشت؟

انتخابات پارلمانی اروپا از تاریخ ۲۲ تا ۲۵ ماه مه ۲۰۱۹ در ۲۸ کشور عضو این اتحادیه برگزار گردید. در این انتخابات گسترده ۷۵۱ نماینده از ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا برای مدت ۵ سال برگزیده شدند. شهروندان کرواسی نیز به‌عنوان آخرین کشوری که در اول ژوئیه ۲۰۱۳ به اتحادیه اروپا پیوست برای اولین بار در این انتخابات شرکت و نمایندگان خود را برگزیدند. در این انتخابات نزدیک به ۳۸۸ میلیون رای‌دهنده حق شرکت داشته و نرخ مشارکت ۴۳/۹ درصد بود ولی بیش از ۵۶ درصد در انتخابات شرکت نکردند. این درحالی است که در برخی کشورها مثل یونان و بلژیک شرکت افراد در انتخابات اجباری است. در ۲۱ کشور، انتخابات به‌طور هم‌زمان در روز یکشنبه ۲۵ ماه مه برگزار شد. در انگلیس و هلند در روز پنجشنبه ۲۲ مه، ایرلند و چک ۲۳ مه، اسلواکی، لتونی و مالت نیز در روز شنبه ۲۴ مه این انتخابات برگزار گردید.



بی‌تردید تغییر و تحولات اقتصادی و سیاسی اتحادیه اروپا همانند یک ابرقدرت جهانی، علاوه بر شهروندان کشورهای اروپایی، بر قاره‌های دیگر جهان تاثیر به‌سزایی دارد. مشخصاً اتحادیه اروپا، در رابطه با وقایع خاورمیانه، یعنی مناقشه اسرائیل و فلسطین، جنگ داخلی سوریه، یمن و...، از جمله در رابطه با تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا و

خروج این کشور از برجام، کاملاً با حاکمان آمریکا هم‌گام نشده است. بنابراین، با غالب شدن نسبی گرایش‌های راست افراطی سرمایه‌داری بر اتحادیه اروپا، احتمالاً اوضاع خاورمیانه رو به بهبود نخواهد گذاشت.

اصولاً نباید نتایج این انتخابات برای رهبران اروپایی خوش‌آیند باشد. چرا که پس از این انتخابات، تغییر و تحولی در آرایش جریان‌های سیاسی در قاره اروپا پدید آمده است که بسیاری از رهبران و احزاب سیاسی سنتی اروپا را دچار شوک کرده است. نتیجه این انتخابات بیانگر تغییر و تحولات عمده‌ای در بین جریان‌های سیاسی اروپایی و احزاب مختلف چپ و راست و میانه و افراطی در این قاره است. مسئله‌ای که می‌توان گفت بعد از جنگ جهانی دوم و بعد از تشکیل جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۵۷ تاکنون سابقه نداشته است. برآمدن جناح‌های افراطی و اروپا ستیز و کسب تعداد زیادی از کرسی‌های پارلمان اروپا، فضای سیاسی جدیدی نه تنها در کشورهای عضو این اتحادیه، بلکه در ساختار سیاست و قدرت آن به‌وجود آورده است. آن هم در شرایطی وضعیت نابسامان اقتصادی- پولی اتحادیه اروپا طی چند سال اخیر، توده‌های مردم را نسبت به روند اتحادیه اروپا بدبین ساخته و حضور آن‌ها در پای صندوق‌های رای را کم‌رنگ کرده است. نتایج حاصله کنونی به‌خوبی بی‌اعتمادی شهروندان اروپایی به روند این اتحاد و همگرایی را به نمایش گذاشته است.

پارلمان اروپا بزرگترین پارلمان چندملیتی جهان و تنها نهاد اتحادیه اروپا است که اعضای آن هم‌زمان و با رأی مستقیم مردم، برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شوند. پارلمان اروپا به‌عنوان نماینده ۵۰۸ میلیون جمعیت اتحادیه، اهداف اولیه‌اش را مانند پارلمان‌های دیگر، نظارت، تصویب قوانین و کنترل قدرت اجرایی است. پارلمان اروپا با وجود افزایش قدرت و اختیارات در معاهده آمستردام و لیسبون، هنوز از قدرت کافی تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری در همه زمینه‌ها برخوردار نیست و قانون‌گذاری در اتحادیه اروپا، عمدتاً در اختیار شورا قرار دارد. در واقع این شورای اروپایی است که رئیس سیاست‌ها و خط مشی کلی این اتحادیه را تعیین می‌کند. البته پارلمان در برخی زمینه‌ها در تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری با شورا مشارکت دارد و قدرت و اختیارات پارلمان بعد از پیمان لیسبون در حال افزایش است.

رئیس کمیسیون اروپا و سایر کمیسیون‌های آن باید از پارلمان اروپا رأی اعتماد گرفته و برای مدت پنج سال قدرت اجرایی اتحادیه اروپا را در دست گیرند. کمیسیون، بازوی اجرایی اتحادیه اروپا و به‌مثابه یک دولت بزرگ عمل می‌کند و انتخاب رئیس و ترکیب کمیسیون‌ها از اهمیت بالایی در این اتحادیه برخوردار است. نتایج این دور از انتخابات برای اولین بار یک تأثیر مستقیم در تعیین رئیس کمیسیون اروپا دارد. چرا که تاکنون انتخاب رئیس عمدتاً برخاسته از تصمیم سیاسی و بده‌بستان‌های نهان و آشکار و موافقت پشت پرده بین سران کشورها و در چهارچوب تعاملات شورای سران اتحادیه اروپایی بوده است.

نامزد ریاست پارلمان از سوی شورای اتحادیه، بعد از توافقات نهایی سران، به پارلمان اروپا معرفی و از سوی پارلمان انتخاب و به اصطلاح رأی اعتماد خواهد گرفت. رأی اعتماد به رئیس معرفی شده، رأی اعتماد به‌کل اعضای ۲۸ نفره کمیسیون اروپاست و لذا از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

در این انتخابات، حزب مردمی اروپا که دربرگیرنده احزاب محافظه‌کار و دمکرات مسیحی است با کسب ۲۱۳ کرسی (۲۸/۳۶ درصد کل آراء) به‌عنوان اولین گروه پارلمان اروپا ظاهر شد ولی با از دست دادن ۶۲ کرسی نسبت به انتخابات سال ۲۰۰۹ در واقع در موقعیت ضعیف‌تر و جدیدی قرار گرفته است. گروه سوسیالیست‌ها به‌رهبری مارتین شولتز از آلمان که متشکل از احزاب سوسیالیست، کارگر و سوسیال‌دمکرات‌هاست با بدست آوردن ۱۹۱ کرسی (۲۵/۴۳ درصد آراء) در جایگاه دوم قرار گرفت، اگرچه ۶ کرسی نسبت به دور قبل از دست داده است. ائتلاف

لیبرال‌دمکرات‌ها به رهبری گی هوروهشتات نخست‌وزیر پیشین بلژیک با کسب ۶۴ کرسی (۸/۵۲ درصد - ۱۱ کرسی کمتر از انتخابات ۲۰۰۹) در رده سوم پارلمان اروپایی قرار گرفت. سبزه‌ها با ۵۲ کرسی در رده چهارم، رفرمیست‌ها و محافظه‌کاران با ۴۶ و ائتلاف چپ با ۴۲ بعدی قرار گرفته‌اند. همچنین نماینده‌گانی که به هیچ گروه سیاسی تعلق ندارند و منتخبین جدیدی به‌شمار می‌آیند ۶۴ کرسی نمایندگی را کسب کرده‌اند. این نماینده‌گان احياناً در روزهای آینده با گفتگوها و بده بستان‌های سیاسی پشت پرده به گروه‌های سیاسی دیگر خواهند پیوست تا آرای آن‌ها نیز بتواند بسیار مهم و تاثیرگذار باشد. این نمایندگان که عمدتاً در بین احزاب راست یا چپ افراطی و اروپا ستیز قرار دارند پدیده جدید این دور از انتخابات هستند و گرایش احزاب راست و چپ میانه به سمت آن‌ها می‌تواند معادلات جدیدی در پارلمان اروپا ایجاد نماید. برای داشتن یک گروه سیاسی در پارلمان اروپا، این گروه باید حداقل ۲۵ کرسی از نمایندگان ۷ کشور عضو اتحادیه اروپا را داشته باشد. این امر اجازه می‌دهد تا از پراکندگی آراء در پارلمان اروپا و سخت‌تر شدن روند تصمیم‌گیری و مصوبات جلوگیری شود.

ژان کلود یانکر رییس گروه حزب مردم اروپا و دمکرات مسیحیان و نخست‌وزیر پیشین لوگزامبورگ بیش‌ترین شانس را برای کسب ریاست کمیسیون دارد و بعد از وی مارتین شولتز رییس گروه سوسیالیست‌ها که همچنان دومین گروه بزرگ پارلمان است از بیش‌ترین شانس برای این مقام برخوردار است. ائتلاف و رایزنی‌های بین این دو گروه سیاسی بزرگ و قدرتمند پارلمان اروپا همیشه در روند انتخاب رئیس و روسای کمیسیون‌های پارلمان و سایر مقام‌ها از جمله: نایب رییس و مخبرین پارلمانی تاثیرگذار بوده است. باتوجه به کاهش آرای نسبی این دو گروه قدرتمند در انتخابات اخیر، با وجود این که همچنان بزرگ‌ترین گروه‌های سیاسی پارلمان اروپا هستند و قدرت گرفتن احزاب راست و چپ افراطی و جریان‌های ضد یورو و ضداروپایی، به‌منظر می‌رسد این دو گروه برای حفظ جایگاه و تاثیرگذاری در روند امور و تصمیم‌گیری‌های پارلمان و حتی اتحادیه اروپایی ناگزیر از نزدیکی و انسجام بیش‌تر از هر زمانی با یکدیگر هستند. در واقع، برآمدن طیف‌های راه افراطی و مخالف هم‌گرایی اروپایی این دو گروه بزرگ و سنتی اروپایی را بیش از هر زمانی به یکدیگر محتاج کرده است. این دو گروه به‌عنوان طرفداران اروپای واحد ناچار از مبارزه با مخالفین هم‌گرایی اروپا هستند.

چنین وضعیت جدیدی هشدار برای سیاستمداران اروپایی است. در همین رابطه، مارتین شولتز رییس قبلی پارلمان اروپا گفته است که این روز خوبی برای اروپا نیست، زیرا راست‌های افراطی، نئونازی‌ها و بیگانه‌هراس‌ها در بسیاری از کشورها قدرت را به‌دست آورده‌اند. ما باید به‌دنبال دلایل موفقیت آن‌ها باشیم، مخالفت صریح با اروپا و از دست رفتن اعتماد می‌تواند از دلایل این امر باشد.

در این انتخابات، ائتلاف بزرگ چپ و راست میانه اکثریت ۴۰ ساله خود را از دست داد. حزب مردم اروپا با گرایش راست میانه و سوسیالیست‌ها و دموکرات‌ها با گرایش چپ میانه، تنها ۴۴ درصد کل کرسی‌ها را از آن خود کردند. گروه راست میانه حزب مردم اروپا (EPP) توانست ۱۷۹ کرسی به دست بیاورد که ۴۲ کرسی از پارلمان قبل کمتر است. گروه سوسیال‌دموکرات (S&D) نیز با از دست دادن ۴۱ کرسی، ۱۵۰ نماینده در پارلمان خواهد داشت.

شایان ذکر است که ستاد رهبری راست افراطی اروپا با ظهور ترامپیسم قوی‌تر شده است. از مدت‌ها قبل، استیو بنن، مشاور و استراتژیست سابق ترامپ، درصدد راه انداختن انقلابی فاشیستی در اروپاست. سازمان بنن برای تروج پوپولیسم راست در اروپا رسماً به وسیله مایکل مودریکامن، رهبر حزب مردم بلژیک در ژانویه ۲۰۱۷ ثبت شد. و اکنون احزاب مردم بلژیک، لیگ شمال و حزب برادران ایتالیا عضو این سازمان موسوم به «جنیش» هستند. مائو سالوینی، معاون نخست‌وزیر و وزیر کشور ایتالیا از چهره‌های کلیدی این جنبش است.

در این انتخابات، دو حزب اصلی پارلمان اروپا با از دست دادن شماری از کرسی‌هایشان ناکامی را تجربه کردند. حزب راست میانه «مردم اروپا» برای اولین بار از سال ۱۹۸۹ میلادی کمتر از ۲۵ درصد مجموع آرا را به خود اختصاص داد. از سوی دیگر سوسیالیست‌ها نیز نتوانستند بیش از ۲۰ درصد آرا را به خود اختصاص دهند. این بدترین عملکرد انتخاباتی آنان از سال ۱۹۷۹ و از زمان آغاز برگزاری انتخابات مستقیم پارلمان اروپا بود.

در واقع این انتخابات برای احزاب اصلی، امیدوارکننده نبود. پیروزی احزاب سبز در اروپا، محدود بود. این احزاب در کشورهایی نظیر آلمان، فرانسه، لوکزامبورگ و فنلاند مقام‌های دوم یا سوم را به خود اختصاص دادند. با این حال نتوانستند حتی یک کرسی در اروپای شرقی و جنوبی به دست بیاورند. در اروپای مرکزی هم وضعیت برای آنان خیلی بهتر نبوده است. آن‌ها در این منطقه تنها توانستند در اتریش ۲ کرسی کسب کنند. حزب محیط زیست سوئد نیز ۲ کرسی به دست آورده است.

ژائومه دوخ گیلوت سخنگوی پارلمان اروپا به خبرنگاران گفت که حزب مردم اروپا ۱۷۸ کرسی را از آن خود کرده در حالی که در دوره پیشین پارلمان، ۲۱۶ کرسی داشت.

بدین ترتیب حزب مردم اروپا بر رقیب سنتی خود یعنی ائتلاف سوسیال دموکرات‌ها (چپ میانه) که ۱۵۲ کرسی به دست آورده، پیشی گرفته است. این ائتلاف هم در دوره پیش ۱۸۵ کرسی داشت.

مانفرد وبر رئیس حزب مردم اروپا که نامزد ریاست کمیساریای اروپا هم هست، در این باره گفت: «احساس نمی‌کنم پیروزی قوی به دست آورده باشیم.»

او در جمع خبرنگاران ادامه داد: «ما شاهد کاهش کرسی‌های میان‌روها هستیم.»

آن‌گونه که ژائومه دوخ گیلوت به خبرنگاران گفت، دیگر احزاب عوامگرا و تشکیک کننده در اروپا و همچنین راست افراطی، موفق شدند بیش از ۱۰۰ کرسی پارلمان اروپا را از آن خود کنند.

ائتلاف «اروپا، ملت‌ها و آزادی» که احزاب «تجمع ملی فرانسه» و «متیو سالوینی نخست‌وزیر پیشین ایتالیا» را در بر می‌گیرد، موفق شد ۵۵ کرسی را از آن خود کند در حالی که در دوره پیشین پارلمان، ۳۷ کرسی داشت.

کرسی‌های ائتلاف «اروپا برای آزادی و دموکراسی مستقیم» که شریک دولتی سالوینی یعنی «جیش پنج ستاره هم و حزب بریتانیایی «برگزیت» را در بر می‌گیرد نیز، سهمش در پارلمان را از ۴۲ کرسی به ۵۳ کرسی افزایش داد.

\*\*\*

انگلیسی‌ها دو نفر را از یک حوزه انتخابیه به پارلمان اروپا فرستادند: یکی الکساندرا فیلیپس از حزب برگزیت که طرفدار خروج بی‌توافق از اتحادیه اروپاست؛ دیگری الکساندرا فیلیپس از حزب سبز که خواهان لغو برگزیت و ماندن بریتانیا در این اتحادیه است.

حزب برگزیت به رهبری نایجل فراژ با کسب تقریباً ۳۲ درصد آرا اول شد. این دستاوردی بزرگ و بی‌سابقه است؛ مخصوصاً برای حزبی که همین شش هفته پیش رسماً اعلام موجودیت کرد و بیش از هر چیز محبوبیت و جاذبه منحصر به فرد فراژ را نشان می‌دهد.

حزب برگزیت همان‌گونه که از نامش برمی‌آید، طرفدار خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، و مخصوصاً خروج بدون توافق‌نامه است. طرفداران خروج بی‌توافق با استناد به اول شدن این حزب در انتخابات، می‌گویند که بریتانیا باید چنین راهی را در پیش بگیرد. دیدگاهی که مخصوصاً بین طرفداران خروج بی‌توافق در حزب حاکم محافظه‌کار رایج است.

آن‌ها می‌گویند رهبر بعدی این حزب - که با کنارگیری ترزا می، فرآیند انتخابش در هفته‌های آینده شروع می‌شود - باید سیاست خروج بی‌توافق از اتحادیه اروپا را در پیش بگیرد تا رای‌دهندگان حزب برگزیت را جذب کند.

بریتانیا در بن‌بستی گیز افتاده و هر راهی که برای خروج از آن انتخاب کند، بیش از نیمی از مردمش را ناراضی می‌کند.

حزب لیبرال دمکرات که مخالف خروج بریتانیا از اتحادیه اروپاست با ۲۰ درصد آرا، در مقام دوم قرار گرفت و دو حزب اصلی محافظه‌کار و کارگر متحمل شکست سنگینی شدند.

حزب کارگر با ۱۴ درصد و حزب سبزها با ۱۲ درصد در رده‌های بعدی قرار گرفتند. حزب حاکم محافظه‌کار با ۱۴ درصد کاهش آرا فقط ۹ درصد آرا را کسب کرد.

در فرانسه، حزب نژادپرست «جبهه ملی» به رهبری خانم مارلین لوپن (نوه ژان ماری لوپن رهبر جبهه ملی) با کسب ۲۵ درصد کرسی‌ها، جامعه فرانسه را غافلگیر کرد و به‌عنوان حزب اول فرانسه در این انتخابات ظاهر شد. این در حالی است که این حزب در سال ۲۰۰۹ میلادی، تنها توانسته بود ۶/۳ درصد آراء را از آن خود کند. حزب سوسیالیست حاکم، تنها با کسب فقط ۱۴/۵ درصد آراء به رده سومین حزب سقوط کرد که به‌مثابه یک زلزله سیاسی در فرانسه محسوب می‌شود. این نتایج برای موقعیت حزب حاکم سوسیالیست که هم ریاست‌جمهوری و دولت و هم چنین اکثریت پارلمانی را داشته نتیجه بسیار فاجعه‌باری بود. حزب سوسیالیست فرانسه که زمانی با حضور فرانسوا میتران از موقعیت بسیار برجسته‌ای برخوردار بود و ۱۴ سال با قدرت در کاخ الیزه نشسته بود امروز به‌عنوان بازنده بزرگ نه تنها در فرانسه، بلکه در کل اتحادیه اروپا است. حزب دست راستی و نئوگلیست «او ام پ» یا اکثریت ریاست‌جمهوری (نئوگلیست‌ها، حزب سارکوزی و پیروان ژنرال دوگل و ژاک شیراک) نیز با ۲۱ درصد آراء در جایگاه دوم قرار گرفت و موقعیت قدرتمند قبلی خود را به حزب جبهه ملی واگذار کرد. این نتایج غیرمترقبه می‌تواند تأثیرات زیادی در سایر کشورهای اروپایی به‌دنبال داشته باشد. زیرا فرانسه مهم‌ترین کشور بنیان‌گذار ۶ کشور فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، بلژیک و لوگزامبورگ است که در سال ۱۹۵۷ جامعه اقتصادی اروپا را به وجود آوردند و اکنون چنین نتیجه‌ای شرایط جدیدی در اروپا به‌وجود آورده که برای پان اروپانیسم‌ها به‌هیچ‌وجه خوش‌آیند نیست. بنابراین نتیجه انتخابات فرانسه، پیامی منفی برای طرفداران وحدت اروپا و هم‌گرایی بیشتر اروپایی‌هاست و جبهه مخالفان آن را بیش‌تر از هر زمانی تقویت کرده است. فرانسه دارای ۷۴ کرسی در پارلمان اروپاست و برای اولین بار جبهه ملی ناسیونالیست و مخالف اروپا با ۲۴ نماینده، بیشترین کرسی‌ها را به‌دست آورده است. دست راستی‌های محافظه‌کار نئوگلیست ۲۰ کرسی و سوسیالیست‌های فرانسه فقط ۱۳ کرسی یعنی ۱۱ کرسی کم‌تر از جبهه ملی به‌دست آوردند.

یکشنبه ۲۶ مه - ۵ خرداد، برای سوسیال‌دموکرات‌های آلمان روزی فاجعه‌بار محسوب می‌شود. آرای قدیمی‌ترین حزب دموکراتیک آلمان در انتخابات پارلمان اروپا به زیر ۱۶ درصد رسید. اما این کل فاجعه نیست: روز یکشنبه هم‌زمان در ایالت برمن انتخابات پارلمانی هم برگزار شد. در این ایالت در ۷۳ سال گذشته سوسیال دموکرات‌ها حکومت می‌کردند، اما دوران آن‌ها به پایان رسیده و برای نخستین بار یک مرد عضو حزب دموکرات مسیحی پیروز انتخابات شده است.

نتایج انتخابات در آلمان که با داشتن ۹۶ نماینده بیش‌ترین کرسی‌ها را در پارلمان اروپایی دارد، نشان می‌دهد که اتحاد احزاب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی با کسب ۳۵/۵ درصد از آرا بیش‌ترین آرای انتخابات پارلمان اروپا در آلمان را از آن خود کرده است. که البته نسبت به انتخابات گذشته ۲/۴ درصد کاهش نشان می‌دهد. حزب سوسیال دموکرات با افزایش آراء نسبت به انتخابات گذشته ۲۷/۳ درصد از آرا را بدست آورد که نسبت به انتخابات سال ۲۰۰۹، از یک افزایش ۶/۵ درصدی برخوردار شده است. سبزهای آلمان که به‌طور سنتی قویترین حزب اکولوژیک در اروپا هستند با به کسب ۱۰/۸۸ درصد آرا در رده سوم قرار گرفته‌اند و حزب چپ با ۴/۷ درصد در رده چهارم قرار دارد. بازنده

اصلی انتخابات آلمان حزب دموکرات آزاد است که با از دست دادن ۷/۶ درصد از آرایش نسبت به دوره قبل تنها به ۳/۴ درصد آراء دست پیدا کرد.

در پی انتشار نتایج انتخابات پارلمان اروپا، دبیر اول حزب سوسیالیست فرانسه، «آلویه فور»، همه احزاب چپ این کشور را به اتحاد فراخواند. در این حال، رهبر طرفداران محیط زیست که بیشترین آرای چپ را در انتخابات پارلمان اروپا در فرانسه به دست آورده و به سومین حزب این کشور تبدیل شده، اعلام کرد که می‌خواهد با دورنمای قدرت‌گیری راست افراطی در فرانسه مقابله کند.

در انتخابات روز یکشنبه آلمان برای انتخاب ۹۶ نماینده، ۶۸ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر واجد شرایط رای دادن بودند. پس از این انتخابات، این احتمال وجود دارد که دوران مرکل پس از ۱۴ سال، از بد حادثه توسط حزب موئلش، یعنی حزب سوسیال دموکرات، به پایان برسد و در سال جاری انتخابات زودرس برگزار شود. شاید هم فرصت دیگری برای بقای حاکمیت آنگلا مرکل باقی نمانده باشد.

حزب ضد مهاجر لیگ سالوینی بیش از ۳۳ درصد از آرای ایتالیا را از آن خود کرد تا اقتدار دولت را دوام ببخشد، به خصوص این‌که حزب «جنیش پنج ستاره» که در ائتلاف با سالوینی بود از سوی حزب دموکراتیک چپ میانه شکست خورد.

سالوینی در میلان گفت: «اروپایی جدید متولد شده است. خوشحالم که لیگ در این رنسانس جدید اروپایی شرکت می‌کند... من خواستار شتاب بخشیدن به برنامه دولت هستم.»

سالوینی عکسی از خودش را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد. در این عکس کاغذی به دست گرفته که بر روی آن نوشته شده: «حزب اول در ایتالیا؛ متشکرم.»

در انتخابات سال ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا، این حزب تنها ۶ درصد آرای انتخابات اروپا را کسب کرده بود. سالوینی یکشنبه شب به رادیوی محلی ایتالیا گفت که با مارین لوپن، رهبر حزب راست افراطی جبهه ملی در فرانسه، و نخست‌وزیر مجارستان ویکتور اوربان صحبت کرده است. احزاب راست افراطی در هر سه کشور بهترین نتایج را به دست آوردند. هدف این صحبت‌ها تشکیل اتحاد قدرتمندی در پارلمان جدید اروپا است. در مجارستان حزب ضد مهاجرت «فیدز» ویکتور اوربان با ۵۲ درصد آرا ۱۳ کرسی از ۲۱ کرسی این کشور را به دست آورد و از برندگان انتخابات شد.

اوربان ادعا کرد که انتخابات اروپا دستاوردهای ملی‌گرایانه داشته است. او گفت: «ما کوچک هستیم اما تغییر اروپا را می‌خواهیم.» اوربان همچنین انتخابات اروپا را «شروع عصر جدید ضد مهاجرت» توصیف کرد.

وزیر خارجه مجارستان نیز گفت که «وضع موجود به پایان رسید... تا امروز بعد از انتخابات اروپا پازل کاملاً ساده بود، راست میانه و سوسیالیست‌ها با همدیگر رای‌هایشان را می‌شمرند و یک اکثریت آسوده را تشکیل می‌دادند... حالا هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که ترکیب نهایی اکثریت به چه شکلی خواهد بود.»

حزب راست‌گرای افراطی آزادی اتریش که اخیراً با رسوایی ایبیزاگیت از دولت خارج شد، با کسب ۱۷/۵ درصد در جایگاه سوم قرار گرفت.

ولت سباستین کورتس، صدر اعظم اتریش با رای عدم اعتماد نمایندگان پارلمان این کشور سقوط کرد. بیش‌تر نمایندگانی که در استیضاح صدراعظم در روز دوشنبه ۲۷ مه - ۶ خرداد علیه او رای دادند، اعضای دو حزب سوسیال دموکرات و راست افراطی بودند که تا یک هفته پیش از متحدان او در ائتلاف حاکم اتریش محسوب می‌شدند.

اختلاف و بحران سیاسی در اتریش به دنبال انتشار یک ویدئوی جنجالی از معاون پیشین صدراعظم و استعفای او آغاز شد. در این ویدئو هاینس کریستیان اشتراخه، رهبر حزب آزادی از جناح راست افراطی که معاون کورتس و عضو ائتلاف حاکم اتریش بود، با یک زن روس در حال مذاکره در ایبیزای اسپانیا دیده می‌شود. در این ویدئو که مربوط به سال ۲۰۱۷ است، اشتراخه در حال چانه‌زنی بر سر اعطای قراردادهای دولتی در ازای کسب حمایت سیاسی مشاهده می‌شود. رسانه‌ها به این رسوایی «ایبیزا گیت» نام داده‌اند. به نظر می‌رسد این رسوایی که به زلزله سیاسی در اتریش انجامید با یک خانواده الیگارش روسی در پیوند باشد، زیرا زن حاضر در ویدئوی مذکور مدعی شده که خواهرزاده یک فرد ثروتمند روسی به نام ایگور ماکاروف است. دولت روسیه و شخص ماکاروف هر گونه پیوند با این ماجرا را رد کرده‌اند.

قبل از این رسوایی، تخمین زده شده بود که حزب «آزادی» در حدود ۲۴/۵ درصد از آراء را به خود اختصاص خواهد داد. اما یکشنبه بعد از ظهر ۲۶ مه - ۵ خرداد، در آخرین روز انتخابات رسانه‌های محلی آرای کسب شده این حزب را ۱۷/۵ درصد اعلام کردند. حزب محافظه کار مردم به رهبری سباستین کورتس، صدر اعظم اتریش با ۳۴/۵ درصد پیش‌تاز انتخابات و حزب سوسیال دموکرات در مقام دوم قرار دارد.

بر اساس نتایج انتخابات اسپانیا که در روز یکشنبه ۲۶ مه - ۶ اردیبهشت برگزار شد، نمایندگان وُکس، حزب راست‌گرای افراطی و نوظهور برای نخستین بار به پارلمان این کشور راه یافتند. میزان مشارکت در این انتخابات بیش از نزدیک به ۷۶ درصد بود که یکی از بالاترین آمار مشارکت در تاریخ دموکراسی این کشور به حساب می‌آید. مشکلات اقتصادی، بحران کاتالونیا، موضوع مهاجران و حقوق زنان دغدغه‌های اصلی رای‌دهندگان در این دوره از انتخابات را تشکیل می‌داد.

نتایج نهایی به دست آمده در انتخابات اسپانیا به تفکیک احزاب مهم شرکت‌کننده به شرح زیر است:

حزب سوسیالیست: ۱۲۳ کرسی؛ حزب مردم: ۶۶ کرسی؛ حزب سیودادانوس: ۵۷ کرسی؛ حزب پودموس: ۴۲ کرسی  
حزب وُکس: ۲۴ کرسی

نامزدهای حزب سوسیالیست اسپانیا با وجود پیروزی نتوانستند به حداقل ۱۷۶ کرسی لازم از مجموع ۳۵۰ کرسی پارلمان برای ادامه کار دولت فعلی دست یابند. آن‌ها همان گونه که کمابیش در نظرسنجی‌ها پیش‌بینی شده بود، ۱۲۳ کرسی پارلمان را به دست آوردند. به این ترتیب آن‌ها در نبود اکثریت مطلق، مجبور خواهند شد تا با احزاب چپ برای تشکیل دولت ائتلاف کنند.

از سوی دیگر، راهیابی ۲۴ نامزد حزب افراطی و ضد مهاجر وُکس با آن که یکی از کمترین آمار در میان احزاب راه یافته به مجلس است، برای این حزب پیروزی بزرگی به شمار می‌رود. از ۴۴ سال پیش یعنی زمان مرگ فرانسیسکو فرانکو، دیکتاتور پیشین اسپانیا این نخستین بار است که یگ گروه راست‌گرای افراطی در پارلمان این کشور به چنین جایگاهی می‌رسد. با این حال احزاب دست راستی سیودادانوس و حزب مردم نیز حتی در صورت ائتلاف با وُکس نخواهند توانست اکثریت مطلق پارلمان را در دست بگیرند. حزب مردم در این انتخابات کمترین تعداد رأی را از زمان تأسیس به دست آورد.

نتایج شمارش ۹۷ درصد آراء در بلژیک نشانگر پیروزی احزاب متعدد ملی‌گرای فلامان (هلندی زبان) در این کشور است. سه حزب عمده این گروه قومی زبانی نزدیک به ۲۷ درصد آراء را کسب کرده‌اند.

شهروندان این کشور امروز در سه سطح مختلف در انتخابات شرکت خواهند: فدرال، منطقه ای و اروپایی.

در بلژیک نیز هم چون دیگر کشورهای اتحادیه اروپا احزاب راست در حال قدرت گرفتن هستند. پیش‌بینی شده است حزب ولامز بلاگ، حزب راست افراطی بلژیک ۱۴/۸ درصد از آراء را به خود اختصاص دهد. در حالی که پنج سال پیش در انتخابات محلی توانسته بود تنها ۴/۲ درصد از آراء را کسب کند.

در لهستان هم حزب منتقد اتحادیه ۵۳ درصد آراء را به‌دست آورد. در مجموع به‌نظر می‌رسد این احزاب منتقد توانسته‌اند ۲۳۵ کرسی از مجموع ۷۵۱ کرسی را به خود اختصاص دهند.

در سوئد، تقریباً ۴ میلیون نفر یعنی ۵۳ و ۳ دهم درصد در انتخابات اتحادیه اروپا در سوئد شرکت کردند که افزایش چشمگیر در مقایسه با انتخابات پیشین نشان می‌دهد. در انتخابات سال ۲۰۱۴، شرکت در انتخابات ۴۸ و ۹ دهم درصد بود.

با شمارش نزدیک به ۶۰۰۰ حوزه از ۶۳۰۵ حوزه شمارش شده است نتایج انتخابات عبارتند از:

سوسیال‌دموکرات‌ها ۲۳/۶ درصد - ۵ کرسی؛ مودرات‌ها ۱۶/۸ درصد - ۴ کرسی؛ دموکرات‌های سوئد ۱۵/۴ درصد - ۳ کرسی؛ محیط زیست ۱۱/۴ درصد - ۲ کرسی؛ سنتر ۱۰/۸ درصد - ۱ کرسی؛ دموکرات‌های مسیحی ۸/۷ درصد - ۱ کرسی؛ چپ ۶.۷ درصد - ۱ کرسی؛ حزب لیبرال با کاهش ۵/۸ درصدی به ۴/۱ درصدی - یک کرسی ابتکار فمینیستی ۰/۸ درصد. این حزب با کاهش ۴/۵ درصدی از پارلمان اروپا بیرون افتاد.

حزب لیبرال دموکرات و سوسیال‌دموکرات دانمارک با ۲۳/۵ و ۲۱/۵ درصد آراء مکان‌های اول و دوم انتخابات پارلمان اروپا را به خود اختصاص دادند. سبزه‌ها جایگاه سوم را کسب کردند.

بسیاری از شهروندان این کشور می‌گویند که بیشتر به انتخابات محلی توجه می‌کنند. پیش‌بینی می‌شد که حزب راست افراطی استرام کورس که مبلغ اخراج ۷۰۰ هزار مسلمان از این کشور است، صاحب کرسی در انتخابات پارلمانی دانمارک شود.

در بلغارستان دو حزب پشتیبان اتحادیه اروپا یعنی «شهروندان برای توسعه اروپایی با ۳۱/۶ درصد و حزب سوسیالیست با ۳۰/۲۴ درصد آراء پیروز این انتخابات هستند.

با این که در این کشور شرکت در انتخابات اجباری است، در سال ۲۰۱۴ تنها ۸۴/۳۵ درصد از واجدین شرایط رای در انتخابات شرکت کردند. جوان‌ترین نماینده در پارلمان اروپا، آندری نواکوف ۳۰ ساله اهل بلغارستان است.

دومین عضو جدید اتحادیه اروپا کرواسی است. پیش از این هم انتظار می‌رفت که تعداد زیادی در انتخابات پارلمان اروپا در این کشور شرکت نکنند. در سال ۲۰۱۴، تنها ۲۵ درصد از واجدین شرایط رای در انتخابات شرکت کردند که حتی از متوسط میزان مشارکت در انتخابات پارلمان اروپا پایین‌تر بود.

حزب سوسیال‌دموکرات حاکم در رومانی با ۲۳ درصد آراء رتبه دوم را کسب کرده و حزب راست‌گرای این کشور با کسب ۲۶ درصد آراء بیش‌ترین کرسی را در اختیار گرفت.

حزب حاکم اتحاد دموکراتیک قبرس (محافظه‌کار) با کسب ۲۹ درصد آراء پیش‌تاز است. حزب مترقی کارگران (کمونیست) با ۲۷/۵ درصد در جایگاه دوم قرار دارد.

این جزیره کوچک در پارلمان اروپا صاحب شش کرسی است و اگر نامزد ترک تبار این جزیره بتواند به پارلمان اروپا راه یابد، پیروزی تاریخی خواهد بود. قبرس به دو بخش ترک نشین و یونانی تقسیم می‌شود. بیش از ۸۰ هزار از شهروندان ترک تبار قبرس واجد شرایط رای هستند.

دو حزب لیبرال محافظه کار آنو (آری) و دموکراتیک مدنی چک با کسب ۲/۲ و ۱۴/۵ درصد آراء برندگان اصلی انتخابات پارلمان اروپا هستند. شهروندان جمهوری چک روز جمعه و شنبه در انتخابات شرکت کردند.



حزب لیبرال «اصلاح» با کسب ۲۶/۲ درصد آراء صدرنشین انتخابات در استونی است. حزب سوسیال دموکراتیک همین کشور با ۲۳/۳ درصد آرا در جایگاه دوم قرار دارد. حزب میانه با ۱۴/۴ درصد آرا سوم است. راست‌گراهای افراطی در حزب مردم با سه برابر کردن آرای خود، ۱۲/۷ درصد آرا را کسب می‌کنند.

حزب راست افراطی این کشور موسوم به حزب مردم محافظه کار استونی در انتخابات پارلمانی در مقام سوم قرار گرفت که منجر به کسب کرسی در ائتلاف حاکم شد.

در یونان پس از پیروزی حزب مخالف محافظه کار «دمکراسی نو»، الکسیس سیپراس نخست وزیر خواستار انتخابات زودهنگام شد. میزان آرای این حزب ۳۳/۵ درصد در مقابل ۲۰ درصد برای حزب سیریزای نخست وزیر بود.

انتخابات پارلمان اروپا در ایرلند روز جمعه ۲۴ مه همزمان با انتخابات محلی برگزار شد. بر اساس آرای شمرده شده که نتیجه آن روز شنبه منتشر شد، حزب سبز ایرلند توانسته است رقبا را پشت سر گذاشته و وارد پارلمان اروپا شود.

این اولین بار در بیست سال گذشته است که سبزهای ایرلند وارد پارلمان اروپا می‌شوند؛ رویدادی که دستاوردی بزرگ برای آن‌ها محسوب می‌شود.

شمارش حدود ۹۰ درصد آرا در لیتوانی نشان می‌دهد حزب راست میانه «اتحادیه میهن» با حدود ۱۷/۴۱ درصد آرا بیشتاز است. حزب سوسیال دموکراتیک با ۱۶/۹۰ درصد آرا در جایگاه دوم قرار دارد. ائتلاف کشاورزان و سبزها هم با نزدیک به ۱۴ درصد آراء، مکان سوم این رقابت را به خود اختصاص داده است.

لیتوانی برای بار دوم است که انتخابات پارلمان اروپا را برگزار می‌کند و شهروندان این کشور برای کسب ۱۱ کرسی رای به نامزدهای احزاب این کشور رای خواهند داد.

حزب کارگر هلند (PvdA) برخلاف پیش‌بینی تمام نظرسنجی‌ها در جریان انتخابات پارلمان اروپا بیش‌ترین آرا را به دست آورد. نتایج آخرین نظرسنجی‌ها پیش از برگزاری انتخابات نشانگر پیش‌تازی عوام‌گرایان و راست‌های میانه بود.

نتایج اعلام شده آرا در هلند نشان می‌دهد که جریان اصلی چپ میانه این کشور موفق شده در انتخابات روز پنجشنبه از احزاب دست راستی لیبرال (VVD) و عوام‌گرایان (FVD) موقعیت بهتری را کسب کند. حزب کارگر با کسب دست‌کم ۱۸ درصد آرا پنج کرسی از ۲۶ جایگاه کشور هلند در پارلمان اروپا را کسب کرده است. رهبر این حزب فرانس تیمرمنس، نایب رییس کنونی کمیسیون اروپا است. تیمرمنس همچنین یکی از نامزدهای ریاست کمیسیون اروپاست.

\*\*\*

مقر رسمی پارلمان، شهر استراسبورگ در فرانسه است اما کارهای اداری و نشست کمیته‌ها و فراکسیون‌های آن در بروکسل و لوکزامبورگ انجام می‌شود.

پارلمان اروپا قوانین را تصویب می‌کند و از این نظر که بودجه هنگامت اتحادیه را نیز به تصویب می‌رساند، قدرت و نفوذ زیادی دارد. علاوه بر این، نمایندگان پارلمان کمیسیون اروپا را نیز کنترل می‌کنند و به زبان ساده می‌توان گفت که این کمیسیون، نوعی دولت است که رهبری آن را رییس کمیسیون اروپا بر عهده دارد. در حال حاضر ژان کلود یونکر از لوکزامبورگ در راس کمیسیون اروپا قرار دارد. انتخاب رییس جدید کمیسیون اروپا پس از پیشنهاد ۲۸ کشور عضو و رای‌گیری در پارلمان صورت می‌گیرد.

پارلمان اروپا سال ۱۹۷۹ میلادی تاسیس شد و از آن زمان تاکنون، نفوذ قابل‌توجهی کسب کرده است. این پارلمان، ۷۵۱ نماینده دارد. پارلمان اروپا تنها نهاد فراملیتی جهان است که اعضای آن در پروسه‌ای دموکراتیک به صورت مستقیم توسط شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا انتخاب می‌شوند. این نمایندگان قانون‌گذاران نهادی هستند که برای زندگی ۵۱۲ میلیون نفر شهروند اتحادیه تصمیم‌گیری می‌کنند.

اگر بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج شود شمار نمایندگان این پارلمان به ۷۰۵ نفر کاهش پیدا خواهد کرد. نمایندگان پارلمان اروپا برای دوره‌ای پنج ساله انتخاب می‌شوند. در نتیجه حضور بریتانیا در انتخابات پیش‌رو تاثیر به سزایی در ساختار پارلمان آتی اتحادیه اروپا خواهد داشت. در پارلمان اتحادیه اروپا نمایندگانی از ۲۰۰ حزب حضور دارند. آن‌ها با نمایندگان احزاب مشابه خود از سایر کشورها فراکسیون تشکیل می‌دهند.

آرای رای‌دهندگان در کشورهای کوچک مثلا لوکزامبورگ از رای‌دهندگان کشورهای بزرگ مانند آلمان اهمیت بیشتر دارد. مثلا لوکزامبورگ با ۵۹۰ هزار نفر جمعیت، شش کرسی و آلمان با ۹۶ میلیون نفر جمعیت ۸۰ کرسی در پارلمان اروپا دارد.

تا به حال، از میان هشت فراکسیون حاضر در پارلمان اروپا، احزاب دمکرات مسیحی و احزاب سوسیال دموکرات بزرگترین فراکسیون‌های این پارلمان را تشکیل می‌دادند که در ائتلافی غیررسمی در تصویب قوانین اتحادیه اروپا همکاری داشتند. تصویب این قوانین نیازمند رای اکثریت نمایندگان پارلمان است.

احزاب دمکرات مسیحی و سوسیال دموکرات حال برای کسب اکثریت نیازمند حمایت احزاب لیبرال یا سبزها خواهند بود. اتحادیه اروپا در دوره پنج ساله کنونی خود بیش از یک‌هزار و ۱۰۰ قانون تصویب کرده است.

این قوانین پس از بررسی در پارلمان‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا به قوانین ملی افزوده می‌شوند. علاقمندی شهروندان اتحادیه اروپا به مشارکت در انتخابات پارلمان اروپا به مرور کاهش یافته و از ۶۳ درصد در سال ۱۹۷۹ میلادی به ۴۳ درصد در سال ۲۰۱۴ رسیده بود اما شرکت‌کنندگان در انتخابات ۲۰۱۹، کمی بیشتر از ۲۰۱۴ است.

پارلمان اروپا در هر سه شهر، سالن نشست و ساختمانی ویژه دارد. از سالن لوکزامبورگ تقریبا استفاده نمی‌شود. این وضعیت و رفت‌وآمد پیوسته نمایندگان میان این سه شهر هزینه کلانی برای پارلمان اروپا دارد. با این‌حال تلاش نمایندگان این پارلمان برای تغییر شرایط هر بار به شکست انجامیده است چون سه کشوری که به طور مشترک میزبان پارلمان هستند، حاضر به همکاری با یکدیگر نیستند. مثلا فرانسه می‌گوید داشتن یک مکان واحد خوب است در صورتی‌که این مکان استراسبورگ فرانسه باشد.

\*\*\*

حال با افزایش نمایندگان راست افراطی و نژادپرستان در پارلمان اروپا، باید منتظر بمانیم و ببینیم برای مثال چه تغییراتی در روابط حاکمیت آمریکا و اتحادیه اروپا به ویژه در ارتباط با تنش‌های روزافزون خاورمیانه پیش خواهد آمد.

چندی پیش نامه‌ای خطاب به فدریکا موگرینی، هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا و خطاب به همه مسئولان ارشد این اتحادیه در امور مربوط به امنیت و سیاست خارجی، در باره بحران خاورمیانه نوشته شده بود که ۳۷ وزیر امور خارجه پیشین کشورهای اروپایی و شماری از سیاستمداران فعال پیشین این کشورها آن را امضاء کرده‌اند.

متن این نامه روز دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۸ - ۱۵ آوریل ۲۰۱۹، از سوی برخی از روزنامه‌های اروپایی از جمله از سوی روزنامه «گار دین» منتشر شده بود.

سیاستمداران ارشد پیشین کشورهای اروپایی در این نامه نسبت به پیامدها و عواقب منفی سیاست ترامپ در امور خاورمیانه هشدار داده‌اند. شخصیت‌هایی همچون زیگمار گابریل، وزیر امور خارجه پیشین آلمان، دیوید میلیند و جک استراو، وزیران امور خارجه پیشین بریتانیا، خاویر سولانا، هماهنگ‌کننده پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا به‌موازات گروهی دیگر از وزیران امور خارجه پیشین کشورهای اروپایی و نیز برخی فعالان ارشد نهادهای بین‌المللی

که در ارتباط با خاورمیانه بوده‌اند این نامه را امضاء کرده‌اند و در آن به خطرات ناشی از پیشبرد سیاست ترامپ در قبال بحران خاورمیانه اشاره کرده‌اند.

نامه با این جمله شروع می‌شود که «ما به لحظه‌ای بحرانی در خاورمیانه و همچنین در اروپا نزدیک شده‌ایم. اتحادیه اروپا سرمایه‌ای هنگفت صرف مناسبات چندجانبه و نظم بین‌المللی قانون مدار کرده است. قوانین بین‌الملل برای قاره اروپا، طولانی‌ترین دوره صلح، رفاه و ثبات را ممکن ساخته‌اند.»

و در ادامه آمده است: «اروپا در همکاری با دولت‌های سابق آمریکا برای حل عادلانه مناقشه اسرائیل و فلسطین اقدام کرده است. قراردادهای اسلو با وجود عقب‌گشت‌ها و صدمات پایداری که به آن‌ها وارد شده پیوسته مبنای همکاری دو سوی اقیانوس در زمینه حل معضل خاورمیانه بوده است.»

امضاءکنندگان نامه سپس از این انتقاد کرده‌اند که «که دولت کنونی آمریکا از سیاست دیرین این کشور در زمینه معضل خاورمیانه و از معیارهای متعارف در بین‌المللی دور شده. این دولت مدعای اسرائیل در مورد مالکیت بر کل بیت‌المقدس را به رسمیت شناخته است و در برابر گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین (در مناطق فلسطینی) بی‌تفاوتی آزاردهنده پیشه کرده است...»

آن‌ها در ادامه از قصد دولت ترامپ برای ارائه طرحی جدید برای حل مناقشه خاورمیانه سخن گفته‌اند و از اروپا خواسته‌اند که در این زمینه هشیار و آماده باشد و «به گونه‌ای راهبری عمل کند.»

امضاءکنندگان در این رابطه بر ایجاد راه حل دو دولت برای مناقشه بین اسرائیل و فلسطینیان در مرزهای ۱۹۴۷ و در صورت لزوم این یا آن تبادل اراضی، تاکید کرده‌اند.

«آن‌ها نوشته‌اند: «گزینه برتر اروپا در حل معضل خاورمیانه همکاری با آمریکا است، ولی زمانی که منافع حیاتی و ارزش‌ها بنیادی ما به بازی گرفته شود، ما باید راه مستقل خود را پیش گیریم.»

در همین راستا، نویسندگان نامه یک اقدام ضرور را تاکید رسمی و دوباره اروپا بر راه حل بین‌المللی جاقفاده ایجاد دو کشور برای مناقشه اسرائیل و فلسطینی‌ها در آستانه انتشار طرح صلح دولت ترامپ دانسته‌اند.

آن‌ها نوشته‌اند که در شرایط کنونی وضعیت در مناسبات اسرائیل و فلسطینی‌ها به‌سوی ایجاد یک کشور با حقوقی نامتجانس و ناعادلانه برای دو طرف به پیش می‌رود، «این وضعیت نباید ادامه یابد، نه برای اسرائیلی‌ها، نه برای فلسطینی‌ها و نه برای اروپایی‌ها.»

\*\*\*

از سوی دیگر، ماجا کوچیجانچیچ، سخنگوی کمیسیون اتحادیه اروپا در گفتگو با خبرنگاران درباره افزایش تنش میان آمریکا و اروپا تاکید کرد: «منطقه خاورمیانه تحمل بی‌ثباتی بیش‌تر را ندارد.»

او در پاسخ به سئوالی درباره توثیق اخیر رییس جمهور آمریکا مبنی بر این‌که اگر ایران به دنبال جنگ است این پایان رسمی آن خواهد بود، گفت:

«منطقه به بی‌ثباتی بیش‌تری نیاز ندارد. این چیزی است که مکررا تکرار می‌کنیم. باید از اقدامی که تنش را افزایش می‌دهد دوری و برای کاهش تنش تلاش کرد.»

دونالد ترامپ، در ۸ مه ۲۰۱۸، خروج این کشور از توافق هسته‌ای با ایران را که در سال ۲۰۱۵ به امضاء رسید، اعلام کرد. آمریکا در پی این اقدام ترامپ، برای توقف کامل صادرات نفت ایران تحریم‌هایی علیه این کشور به اجرا گذاشت. در ماه آوریل سال جاری نیز نام سپاه پاسداران ایران در فهرست گروه‌های تروریستی خارجی آمریکا قرار گرفت.

آمریکا در اوایل ماه مه «برای مقابله با تهدیدات ایران» ناو هواپیمابر جنگی «یواس اس آبراهام لینکلن» را به همراه چهار فروند جنگنده بمب افکن بی-۵۲ به منطقه اعزام کرد.

حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران نیز در نخستین سال‌روز خروج آمریکا از برجام اعلام کرد که ایران بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای خود را از سر می‌گیرد. او همچنین به طرف‌های باقی‌مانده در برجام ۶۰ روز مهلت داد تا تدابیر لازم به منظور حفظ مزایای اقتصادی این توافق هسته‌ای برای ایران را اتخاذ کنند. اما اتحادیه اروپا با تاکید به ادامه برجام، هم‌زمان با این ضرب‌الاجل دولت اسلامی ایران مخالفت کرده‌اند.

\*\*\*

همچنین سال گذشته اعلام شده بود که «استیو بنن»، مشاور سابق ترامپ در اتحادیه اروپا بنیاد سیاسی تاسیس می‌کند. «استیو بنن»؛ کسی است که از او به‌عنوان پشت پرده ظهور دونالد ترامپ یاد می‌شود. او نه در واشنگتن و نیویورک که این‌بار می‌خواهد در بروکسل تغییرایت به وجود آورد. بنن با تاسیس بنیادی به نام «جنبش»، پروژه تازه‌ای را در اروپا آغاز کرده که هدف آن تقویت احزاب راست‌گرا است تا از این طریق یک‌پارچگی اتحادیه اروپا به مخاطره بیفتد. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) در دوران ریاست‌جمهوری اوباما و پیشنهاد ترامپ به امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه برای خروج از این اتحادیه و به‌جای آن همکاری تجاری گسترده‌تر با آمریکا، بخشی از پروژه‌ای است که در آمریکا برای فروپاشی اتحادیه اروپا طراحی شده است.

به گزارش یک رسانه آمریکایی، استیو بنن، مشاور مناقشه‌برانگیز سابق دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده و از نمایندگان راست‌های افراطی این کشور، قصد دارد بنیادی را در اروپا زیر عنوان «جنبش» راه‌اندازی کند. پایگاه خبری «دیلی بیست» با استناد به اظهارات بنن گزارش داده است که این سازمان می‌خواهد برانگیزاننده یک «قیام» راست پوپولیستی پیش از انتخابات پارلمان اروپا در آغاز سال ۲۰۱۹ میلادی باشد. طبق این گزارش، محافظه‌کار ۶۴ ساله آمریکایی قصد دارد پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آغاز ماه نوامبر در ایالات متحده، نیمی از وقت خود را در اروپا سپری کند.

بر اساس اطلاعات «دیلی بیست»، استیو بنن به یک «ابرگروه» از پوپولیست‌های راست در پارلمان اروپا نظر دارد که می‌تواند تا یک سوم نمایندگان این پارلمان را پس از انتخابات سال ۲۰۱۹ در خود جای دهد. گزارش همچنین تصریح می‌کند که جناحی متحد با چنین ابعاد بزرگی می‌تواند به شکلی جدی در روند کار پارلمان اروپا اختلال ایجاد کرده و به نفوذ عظیم استیو بنن در درون «جنبش پوپولیستی» بینجامد.

هدف استیو بنن، کمک به گروه‌های راست‌گرای در حال ظهوری در اروپا است که بدون ساختار سیاسی حرفه‌ای و یا بودجه‌ای قابل توجه فعالیت می‌کنند.

بنیاد «جنبش» قرار است از جمله در انتشار هدفمند اطلاعات، نظرسنجی، پیام‌رسانی هدفمند و جست‌وجوی اندیشکده‌ها به ملی‌گرایان راست اروپا کمک کند. در حال حاضر ۱۰ نفر برای انجام این وظایف در نظر گرفته شده‌اند.

طبق گزارش مزبور، استیو بنن می‌خواهد بدیلی در برابر جورج سوروس در اروپا باشد. جورج سوروس، سرمایه‌گذار مجار تبار آمریکایی و از حامیان اتحادیه اروپا است که گفته می‌شود از سال ۱۹۸۴ تاکنون بیش از ۳۲ میلیارد دلار در اروپا برای آرمان‌های لیبرال و کمک به گروه‌هایی با این گرایش هزینه کرده است. بنن درباره شیوه کار سوروس گفته است: «سوروس استاد است؛ او شیطان، اما استاد است.»

به گزارش رسانه‌ها، بنن به هنگام دیدار ترامپ از بریتانیا، در لندن اقامت داشته و در هتلی پنج‌ستاره میزبان نمایندگان جریان‌های راست اروپا بوده است. این معتمد پیشین ترامپ در گفت‌وگو با «دیلی بیست» در مورد این دیدارها گفته است: «چنان موفقیتی حاصل شد که ما استخدام پرسنل را آغاز خواهیم کرد.»

به گفته خود بنن، به‌خصوص ائتلاف دولتی در ایتالیا از حزب بیگانه‌ستیز لیگ و جنبش پوپولیستی «پنج‌ستاره» او را دلگرم می‌کند.

بنن همچنین گفته است که در یک سال گذشته با بسیاری از نمایندگان جریان‌های راست‌گرای اروپا مانند نایجل فراژ رهبر سابق حزب استقلال بریتانیا، مارین لوپن، رهبر "جبهه ملی فرانسه"، ویکتور اوربان، نخست‌وزیر راست‌گرای مجارستان و نیز با نمایندگان احزاب پوپولیستی لهستان رایزنی کرده است.

دونالد ترامپ در جریان کارزار انتخاباتی سال ۲۰۱۶ بنن را استراتژیست ارشد خود و پس از پیروزی در انتخابات، به عنوان مشاور ارشد در کاخ سفید برگمارد. اما به دلیل اختلاف نظرهایی میان این دو، آن‌ها در اوت ۲۰۱۷ از هم جدا شدند.

بنن سپس دوباره به پست مدیریتی خود در پایگاه اینترنتی «برایتبارت نیوز» بازگشت. او اما این سمت را نیز در آغاز سال جاری میلادی از دست داد؛ امری که پیامد جنجال بر سر اظهارات منتسب به او در کتاب افشاگرانه «آتش و خشم» نوشته مایکل وولف بود.

کتاب از جمله به ملاقاتی پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا میان پسر بزرگ ترامپ و مقام‌های روس در ژوئن ۲۰۱۶ اشاره کرده و این ملاقات از قول بنن «خائنه» توصیف شده است. استیو بنن البته سپس اتهام‌های خود علیه پسر ترامپ را تعدیل کرد.

در سال‌های اخیر، گروه‌های راست‌گرای بیگانه‌ستیز، قدرت چشم‌گیری در این قاره یافته‌اند و در کشورهایی مانند مجارستان، اتریش و لهستان قدرت را به‌دست گرفته‌اند و در کشورهایی مانند فرانسه، انگلستان، ایتالیا و هلند به‌شدت قدرتمند شده‌اند، اما این جنبش‌های راست‌گرا با وجود افزایش محبوبیت، با ضعف در سیاست‌گذاری و تامین منابع مالی مواجه بوده‌اند.

بنن امیدوار است بنیاد تازه‌تاسیس او که قرار است به‌عنوان رابطی میان گروه‌های راست‌گرا در اروپا و انجمن حزبی طرفدار ترامپ «آزادی» در آمریکا، عمل کند، بتواند با تدوین خط مشی برای این احزاب، این نقطه‌ضعف را برطرف کند. شاید به همین خاطر است «راهیم کسام»، از کارمندان سابق «فاریچ» و از دبیران کنونی وبسایت «بریتبارت» (که بنن موسس آن بوده)، می‌گوید: «مرکل‌تان را فراموش کنید. سوروس و بنن بزرگترین بازیگران سال‌های آینده سیاست اروپا خواهند بود.»

استیون کوین یا «استیو» بنن خود را یک ملی‌گرای اقتصادی می‌داند که به‌شدت نگران طبقه متوسط و کارگر جامعه است و بر این باور است جهانی‌شدن سبب شده این قشر با بیکاری مفرط دست‌وپنجه نرم کند. به همین علت نیز طرفدار ایده ملت‌های واحد با مرزبندی مشخص است. بخشی از دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات او، توسط دونالد ترامپ شکل اجرایی به خود گرفته است. او از مخالفان سرسخت مهاجرت به آمریکا است و آن را «قلب مشکلات» آمریکا می‌داند. از دید او عامل مشکلات، نه‌تنها مهاجران غیرقانونی که مهاجران قانونی نیز هستند. بنن از طرفداران جنگ اقتصادی آمریکا با چین است؛ موضوعی که دونالد ترامپ اخیرا با وضع تعرفه‌های گمرکی آن را آغاز کرده است.

\*\*\*

به این ترتیب، ماشین پوپولیسیم (عوام گرایی) در ایتالیا پرشتابتر از تمام اروپا پیش می‌رود. یونان و جمهوری چک با ایتالیا فاصله چندانی ندارند. گرچه این موج بیشتر در مرکز و جنوب اروپا جان گرفته اما دولت‌های عمده اتحادیه اروپا نظیر آلمان، فرانسه و کشورهای اسکاندیناوی از جمله سوئد و فنلاند را هم بی‌نصیب نگذاشته است.

مجارستان که ۶۵ درصد آرای شهروندان در صندوق احزاب پوپولیست عوام‌گرا ریخته شده، قطب پوپولیستی اروپا است. اما با وجود خیزش عوام‌گرایان در سراسر اروپا، تنها دو دولت این اتحادیه را پوپولیست‌ها اداره می‌کنند یعنی لهستان و مجارستان. گرچه احزاب حاکم دیگر کشورهای این قاره هم به نوعی با احزاب عوام‌گرا ائتلاف کرده‌اند، مثلا در اتریش، بلغارستان و یونان.

پوپولیسم یا عوام‌گرایی در پی این است که خوشایند مردم عادی باشد، آن‌ها که گمان می‌کنند که ساختار دولتی دغدغه‌هایشان را نادیده گرفته است. احزاب عوام‌گرا معمولا رهبری پرچم‌دارند.

به عقیده روت وداک، کارشناس پوپولیسم در دانشگاه لنکستر دو نوع وجود دارند. عوام‌گرایی دست‌راستی که بیشتر در شمال و مرکز اروپا غالب است و دیدگاه‌های ملی‌گرایانه یا بسیار محافظه‌کارانه طبقه «برگزیده» را نقد می‌کند از طرف دیگر عوام‌گرایی چپ در کار است که بیشتر در جنوب فعال است که بیشتر روی سرمایه‌داری و جهانی‌سازی تمرکز دارد و از این بابت منتقد ساختار حاکم است.

ووداک بر این باور است که موج عوام‌گرایی در اروپا پس از حمله ۱۱ سپتامبر به راه افتاد چراکه پیامدهای امنیتی این رویداد، کاستن از اهمیت حقوق بشر را توجیه کرد و به گروه‌های دست راستی اجازه داد در زمینه مسائلی نظیر نظم و قانون، بازی را به دست بگیرند.

ووداک می‌گوید: «مثلا در یونان دو حزب عوام‌گرا پدیدار شد: سیریزا از چپ رادیکال و «طلوع طلایی» از راست میهن‌پرست. هم‌زمان خیزشی هم در مرکز اروپا در کشورهای اتریش، سوئیس، و اسکاندیناوی به جریان افتاد.» ووداک می‌افزاید: «چراکه آن‌ها گرچه خود مستقما از بحران ضربه نخورده بودند اما ترس از آن هم کافی بود. بنابراین برای حفاظت از کشور و منافع و دارایی‌ها شما مهاجر و پناهنده نمی‌خواهید.»

اما بعد نوبت کشورهای شرقی بود که رسیدن مهاجران به مرزهایشان، به احزاب دست‌راستی پوپولیست قدرت بخشید. به‌خصوص لهستان و مجارستان...

کارشناسان می‌گویند حرکت اروپا به سوی احزاب ضدساختار سیاست‌های دست‌راستی را عادی کرده است. ووداک می‌گوید: «سیاست‌های مهاجرتی، سفت و سخت‌تر شده‌اند، حتی در کشورهایی که در آن‌ها مهاجر و پناهنده‌ای نیست. برخی از سیاست‌های عوام‌گرایان دست‌راستی تاکنون به اجرا هم درآمده است. حتی حرف‌های توهین‌آمیز رهبران عوام‌گرایی نظیر ترامپ هم عادی شده است. برخی تابوها شکسته است و حالا ظاهرا برخی حرف‌های بسیار تبعیض‌آمیز را هم می‌توان زد، بی‌آن‌که رسوایی بزرگی هم برپا شود.»

کارشناسان می‌گویند اگر بروکسل به پیام رای‌دهندگان لهستانی و مجار توجه نکند، تنش‌های بیشتری در انتظار اتحادیه اروپا خواهد بود.

آمار رای‌دهندگان زیر ۳۰ سال نسبت به انتخابات دور گذشته افزایش چشمگیری داشت. بیش‌ترین آرای این گروه سنی را حزب سبزها کسب کرد که در مبارزات انتخاباتی موضوع حفاظت از آب و هوا را قبضه کرده بود، موضوعی که به آینده پیوند خورده است.

۵۱ درصد واجدان شرایط در این انتخابات شرکت کردند. این میزان هشت درصد بیش‌تر از آخرین انتخابات اروپا در پنج سال پیش است. به عقیده یانیس امانوئیلیدیس، متخصص علوم سیاسی از «مرکز سیاست اروپایی» در بروکسل،

مخالفت با تغییرات اقلیمی، اعتصاب دانش‌آموزان و دفاع در برابر اروپاستیزی و احزاب پوپولیست، مردم را در این انتخابات به حرکت واداشت.

ناظران می‌گویند در بسیاری از ۲۸ کشور اروپایی تاکنون احزاب بزرگ میانه ضعیف‌تر شده‌اند، لیبرال‌ها، سبزها و احزاب دست راستی اما قوی‌تر. در پارلمان آینده اروپا محافظه‌کاران و سوسیال دموکرات‌ها به‌عنوان ائتلاف بزرگ غیررسمی دیگر اکثریت سابق را نخواهند داشت. آن‌ها باید احتمالا با لیبرال‌ها و شاید سبزها فراکسیون تشکیل دهند.

\*\*\*

در جمع‌بندی می‌توان تاکید کرد که اگر یک‌سوی، برخی گرایش‌های سیاسی در اتحادیه اروپا، مدعی اند که رشد گرایش‌های راست افراطی و نژادپرست با دوقطبی‌شدن اوضاع پس از شعله‌ور شدن آتش جنگ در خاورمیانه و ورود مهاجران به کشورهای اروپایی تشدید شد. اما برخی تحلیل‌گران چنین ادعایی را رد می‌کنند و به درستی تاکید دارند که سیاست‌های نولیبرال دولت‌های اروپایی به ظهور احزاب پوپولیست عوام‌گرا و نژادپرست منجر شده است.

برای مثال «شاننال موف»، فیلسوف چپ‌گرای فرانسوی بر این باورند که تجربه پوپولیستی اروپا بیش از آن‌که نمایانگر بازگشت فاشیسم باشد، نمایانگر شکست هژمونی نولیبرالیسم است.

به باور موف و همفکران وی، سیاست‌های نولیبرالی، گردش به سمت بخش مالی اقتصاد، تعطیلی کارخانه‌ها، متزلزل کردن نیروی کار و به‌ویژه از بین رفتن دولت رفاه و افزایش فشار اقتصادی باعث شده است که مردم از نخبگان جریان غالب قدرت خسته شوند.

آن‌ها می‌گویند حتی در اقبال رای‌دهندگان به راست افراطی نیز می‌توان هسته‌ای از مطالبات دموکراتیک دید و بنابراین، چپ‌گرایان باید با توجه ویژه به این مطالبات - از راه پوپولیسم چپ - جلوی رشد فاشیسم را بگیرند. چرا که راست‌گرایان افراطی با فرافکنی مشکلات حاصل از نولیبرالیسم بر مهاجران، مطالبات برحق مردمی را به کانال دیگری هدایت می‌کنند.

انتقادات از نولیبرالیسم و عملکرد احزاب چپ میانه از سال ۲۰۰۰ به بعد که در واقع هم‌سو با سیاست‌های راست میانه بود، این حزب‌ها را در موقعیت بدی قرار داده است. آن‌ها بیش از راست میانه در حال از دست دادن آرای خود هستند. آندریاس کله، مدیر برنامه سیاست دانشگاه برمن که زمانی پایگاه حزب سوسیال‌دموکرات آلمان بود، به روزنامه «واشننگتن‌پست» گفته است: «آنچه شاهدش هستیم، لحظه به‌راستی بزرگی است؛ مراسم تدفین یک حزب است.» اشاره او به حزب سوسیال‌دموکرات است.

که کوین کوهنرت، رهبر شاخه جوانان سوسیال‌دموکرات‌ها از سوسیالیسم سخن می‌گوید و پیشنهاد «مالکیت اشتراکی» بر کارخانه خودروسازی بی ام دبلیو را ارائه داده است: «بدون مالکیت اشتراکی، غلبه بر کاپیتالیسم غیرقابل درک است.»

به این ترتیب، سیاست‌هایی همچون اخراج همه پناهندگان، شلیک کردن به پناهندگان در صورت عبور از حصار مرزی، تبلیغات ظاهری احزاب پوپولیست و نژادپرست است. چرا که هدف اصلی آن‌ها، تغییر ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دفاعی کشورهای اروپایی به نفع نولیبرالیسم است. در هر صورت، تشکیل گروه اکثریت و تصمیم‌گیری در مورد مسائل مختلف در پارلمان اتحادیه اروپا پس از این با مشکل مواجه خواهد شد.

در چنین شرایطی، به‌نظر می‌رسد بحران اقتصادی مالی چند سال اخیر اروپا و اتخاذ سیاست‌های ریاضتی، فشار زیادی به کارگران و توده‌های مردمی و اقشار ضعیف وارد کرده و آن‌ها واکنش خود را در پای صندوق‌های رای نشان داده‌اند. نتیجه انتخابات این دوره از پارلمان اروپا، به‌نوعی مخالفین اتحاد اروپایی را در برابر اروپاگرایان قرار داد که

این خود می‌تواند هشدار به رهبران اروپایی باشد. رشد بی‌سابقه احزاب مخالف اتحادیه اروپا، سه جناح عمده میان‌روی هوادار این اتحادیه همچنان می‌توانند اکثریت خود را در پارلمان اروپا حفظ نمایند و احيانا این نتایج آن‌ها را به یکدیگر نزدیکتر خواهد کرد. زیرا احزاب محافظه‌کار، دست‌راستی و دمکرات مسیحی حداقل در مخالفت با احزاب افراطی و اروپا ستیز با یکدیگر مشترک هستند. احزاب راست یا چپ افراطی با داشتن ۱۴۰ تا ۱۵۰ کرسی از مجموع ۷۵۱ کرسی ائتلافی با ۲۰ درصد آراء را تشکیل دهند که خود یک جریان سیاسی جدید و قدرتمند به حساب می‌آید. شرایط نوین و آرایش جدید سیاسی در اتحادیه اروپا را در هفته‌های خواهیم دید.

از سوی دیگر، باید منتظر ماند و دید که نتایج نشست افتتاحیه پارلمان اروپا، در روز سه‌شنبه دوم ژوئن به کجا خواهد رسید. ریاست پارلمان تا کنون بر حسب سنت به رهبر بزرگترین گروه پارلمانی تعلق می‌گرفت، اما این قرار نانوخته می‌تواند با ائتلاف گروه‌ها تغییر یابد. نامزد «حزب مردم اروپا» برای نشست بر صندلی ریاست پارلمان اروپا «منفرد و بر» آلمانی است. اما چنین به‌نظر می‌رسد که امانوئل ماکرون با گزینش بی‌چون و چرای نامزد بزرگترین گروه مخالف است و انتظار می‌رود که در اجلاس آینده سران اروپا در این زمینه گفتگو شود. این نشست سه‌شنبه آینده برای بررسی نتایج این انتخابات و به‌ویژه گزینش مسئولان جدید نهادهای مختلف اتحادیه در بروکسل تشکیل می‌شود.

بعد از این مرحله است که تا حدودی می‌توانیم آگاه شویم تاثیر سیاست‌های ترامپ در بافت جدید پارلمان اروپا تا چه اندازه است؟ آیا این تغییرات به نزدیکی سیاست‌های ترامپ و اتحادیه اروپا در ارتباط با خاورمیانه و ایران، منجر خواهد شد؟!

متأسفانه تا به امروز جنبش کارگری سوسیالیستی کشورهای اروپایی نتوانسته از این اتحاد، به نفع مبارزه طبقاتی و همگرایی و انترناسیونالیستی خود بهره جوید و به همین دلیل صحنه مرکزی سیاست های اروپا به احزاب رفرمیست، سویال دموکرات، لیبرال‌ها، لیبرال مسیحی و احزاب نئونازیست و نژادپرست واگذار شده است.

در چنین شرایطی، اگر جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویان و جوانان، نهادهای نویسندگان و هنرمندان، روزنامه‌نگاران مترقی، بازنشستگان و بیکاران، مهاجران و پناهندگان متحدانه و هدفمند مستقیماً و بدون واسطه وارد مرکز ثقل سیاست‌های اتحادیه اروپا وارد نشوند؛ برنامه‌های اداره شورایی جامعه را با هدف برپایی یک جامعه سوسیالیستی با صدای بلند به جوامع بشری اعلام نکنند؛ آینده کشورهای اروپایی بیش‌تر به مخاطره خواهد افتاد. خاورمیانه همچنان مرکز تنش‌های جنگی، تروریستی، و اسیر گرایش‌ها و غیرانسانی سرمایه‌داری همچون گرایش‌های نظامی‌گری، ملی‌گرایی، مذهبی و مردسالاری خواهد ماند. وضعیت مردم اروپا نیز به لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وخیم‌تر خواهد شد و گرایش‌های فاشیستی، نازیستی و محافظه‌کار سرمایه‌داری قدرت بیش‌تری خواهند گرفت!

سه‌شنبه هفتم خرداد [جوزا] ۱۳۹۸ - بیست و هشتم می ۲۰۱۹